

قدرت در ترازوی ایمان

حسین ابراهیمی| خداوند در آیه ۴۱ سوره حج می فرماید: «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَنُوا بِالمَقْرُوفِ وَتَوَدَّاعِنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» همان کسانی که اگر آنان را در زمین قدرت و تمکن دهیم، نماز را برپا می دارند و زکات می پردازند و مردم را به کارهای پسندیده وامی دارند و از کارهای زشت بازمی دارند و عاقبت همه کارها فقط در اختیار خداست.» قدرت و مکنّت سیاسی در منطق قرآن کریم، شمشیری دولبه است؛ تیغی بُران که اگر در کف زنگی مست یا طغیانگران نااهل قرار گیرد، حاصلی جز تباهی نسل ها، غارت ثروت ها و نابودی حیات جامعه نخواهد داشت؛ «لِيُفْسِدَ فِيهَا وَ لِيُهْلِكَ الْعُرْتُ وَ النَّسْلُ» اما همین قدرت، هراک در دستان بندگان صالح قرار گیرد، از ابزار استبداد و طغیان به عنوان سکوی احیای حق و هموار کردن مسیر بندگی استفاده می کنند.

آیه ۴۱ سوره مبارک حج با واژه کلیدی «مَكَّنَّاهُمْ»، نقشه راه و هویت واقعی حاکمیت ایمانی را در چهار رکن اساسی ترسیم می کند. یکم ارتباط پایدار با خدا (اقاموا الصّلاة)، نماد معنویت و مهار غرور ناشی از منصب و میز قدرت است و اقامه آن، نشانه حکومت صالحان. دوم عدالت و مواسات اقتصاد (آتوا الزّکاة)، فقرزدایی و گره کشایی از معیشت محرومان جامعه به عنوان همتای ناگسستنی نماز. سوم نظارت، سلامت و پویایی اجتماعی (آمَنُوا بِالمَقْرُوفِ وَ تَوَدَّاعِنِ الْمُنْكَرِ)؛ صیانت از مرزهای اخلاقی و جلوگیری از فساد در بدنه حکومت و جامعه. قرآن با صیغه ماضی «اقاموا»، بر قطعیت و اولویت بی چون و چرای این وظایف در سیره مسئولان تأکید دارد، یعنی خدمت و اقامه دین، برای مؤمنان وعده آینده نیست، بلکه کار آغازینی آنان باتکیه بر امکانات است. درنهایت، عبارت هشداردهنده «وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» به حاکمان گوشزد می کند که قدرت، امانتی گذراست؛ نه سرمستی به بار می آورد و نه مصونیت ابدی، بلکه پایان همه امور و کارنامه ها به دست خداوند رقم می خورد.

حکمت

وقتی شیطان در خانه دل، جا خوش می کند

محمّدجواد علیپور| امام علی علیه السلام در خطبه‌ای که به خطبه «قاصعه» یا خطبه نکوهش پیروان شیطان شهرت دارد، تصویری هولناک و درعین حال دقیق از چگونگی نفوذ شیطان در انسان ارائه می دهند؛ تصویری که برای امروز ما نیز هشدار دهنده است. آن حضرت می فرماید: «اتَّخَذُوا الشَّيْطَانَ لِقَرِينَهُمْ مَلَكَاً وَ اتَّخَذَهُ لَهُ أَشْرَكَاً» یعنی مردم، شیطان را پشتوانه و تکیه‌گاه کارهای خود گرفتند و شیطان نیز آنان را دام های خود قرار داد.

این تعبیر دو طرفه، رابطه‌ای مبتنی بر انتخاب آگاهانه انسان و بهره‌کشی شیطان را نشان می دهد. انسان، نخست به شیطان اعتماد می کند، سپس شیطان از او به عنوان ابزار، بهره می برد. اما بخش تکان دهنده خطبه، تصویرسازی‌های بدعی است: «فَيَأْخُذُ فَوْقَ فِي صُورِهِمْ وَ يَذْوَ جُفَى فِي خُجُورِهِمْ؛ شیطان در سینه‌هایشان تخم گذاشت و جوجه کرد و در کنارشان خزید و رشد کرد.» این تعبیر، نفوذ شیطان را فرایندی تدریجی و پرورشی نشان می دهد نه یک حمله ناگهانی، بلکه لانه کردن ارام و سپس پرورش یافتن. گویی قلب انسان، زمینی می شود که شیطان در آن کشت می کند و نسل می آورد. نتیجه این نفوذ، آنجاست که «فَقَطَّرَ بِأَعْيُنِهِمْ وَ نَطَقَ بِأَلْسِنَتِهِمْ؛ شیطان با چشم‌های آنان می بیند و با زبان‌هایشان، سخن می گوید.» یعنی انسان به مرحله‌ای می رسد که نه فقط تحت تأثیر شیطان قرار می گیرد، بلکه ابزار اومی شود. دیگر این انسان نیست که می بیند و می گوید، بلکه شیطان است که از طریق او ادراک و بیان می کند و در نهایت، «فَرَكَبَ بَیْهَاتُ الْكَلَمِ وَ زَيَّنَ لَهُمُ الْغُفْلَ»؛ شیطان بر مرکب خطا‌هایشان سوار شد و زشتی‌ها را در نظرشان آراست.»

اینجاست که انسان نه فقط خطا می کند، بلکه خطا را زیبا می بیند و مرز میان خوب و بد در ذهن او جابه‌جایی می شود. امام علیه السلام در پایان می فرماید: «فَلَمَّا مَنَّ قَدْ شَرَكُوا الشَّيْطَانَ فِي سُلْطَانِهِ وَ نَطَقَ بِأَلْسِنَاتِهِ عَلَى لِسَانِهِ، این رفتار کسی است که شیطان در فرمانروایی‌اش، شریک شده و اطل بر زبان او جاری گشته است.»

چرا این خطبه، امروز هم خواندنی است؟ امروز ما در فضایی زندگی می کنیم که تصاویر، صداها و روایت‌ها از هرسو ما را احاطه کرده اند. سؤال این است؛ چه کسی با چشم‌های ما بیند چه کسی با زبان ما سخن می گوید؟ آیا ما تصمیم می گیریم یا کسی دیگر برای ما تصمیم می گیرد و ما فقط اجرا می کنیم؟ این خطبه، معیاری برای خودآزمایی است.

احکام

حکم خمس مبلغ پرداختی برای شرکت در قرعه‌کشی‌های خانگی

سمانه رضوانی| یکی از سوالات رایج در حوزه احکام مالی، وضعیت خمس مبالغی است که افراد برای شرکت در قرعه‌کشی‌های خانگی پرداخت می‌کنند و ممکن است تا سر سال خمسی، دریافت نشود. این موضوع از آن نظر اهمیت دارد که ممکن است مبلغ مذکور، مشمول احکام خمس قرار بگیرد. در ادامه، نظر سه مرجع عالی قدر تقلید در این باره آورده می شود.

شهید آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای

در صورتی که از درآمد و حقوق باشد، سر سال خمسی باید خمس آن پرداخت شود؛ البته در صورتی که مبلغ را به دیگری وام داده باشد و سر سال خمسی قابل دریافت نباشد، می‌توانید خمس آن را پس از دریافت مبلغ، پرداخت کنید.

آیت‌الله العظمی سیدعلی سیستانی

باید خمس مبالغی از طلب را که سال خمسی بر آن گذشته است، فوراً بپردازد و مبلغ قرض، فعلاً خمس ندارد.

آیت‌الله العظمی ناصر مکارم شیرازی

آن مقدار از وام که متعلق به خود اوست و قبلاً در صندوق برای خودش پس انداز شده است، در صورتی که سر سال خمسی قابل وصول نبوده باشد، جزو درآمد سال وصول وام محسوب می‌شود که اگر بعد از دریافت وام تا سال خمسی مصرف نشود، مشمول خمس است و آن مقدار از وام که به او داده اند و جنبه قرض الحسنه دارد، به مقداری که اقساطش پرداخت شده و معادلش تا سال خمسی موجود است، خمس دارد.

جمع بندی:

بر اساس نظر مراجع عظام، مبالغی که برای شرکت در قرعه‌کشی‌های خانگی پرداخت می‌شود، اگر از درآمد سالانه باشد و تا سر سال خمسی دریافت نشود، در بسیاری از موارد خمس به آن تعلق می‌گیرد. اما چگونگی پرداخت آن بسته به نظر هر مرجع، متفاوت است. برخی مراجع گران قدر، پرداخت خمس را پس از دریافت مبلغ لازم می‌دانند و برخی دیگر، شرایط و جزئیات دیگری را مطرح کرده‌اند. بنابراین لازم است هر فرد براساس فتوای مرجع تقلید خود عمل کند.

شکر



مهر

بررسی کارکردهای مسجد در جامعه اسلامی در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین محبوب

کار اجتماعی سیاسی در مسجد، عبادت است

آمنه مستقیمي| پیام رهبر معظم انقلاب به بسی و سومین اجلاس سراسری نماز و تأکید ایشان بر نقش ویژه مسجد در اقامه نماز به عنوان ضرورت اصلی رسیدن به مرحله جامعه اسلامی و تمدن نوین اسلامی، موجب شد تا مروری داشته باشیم به نقش و کارکردهای مسجد به عنوان دردسترس ترین و اثرگذارترین نهاد اجتماعی در جامعه اسلامی. در این باره با حجت الاسلام والمسلمین علی محبوب، امام جماعت، مدرس حوزه و دانشگاه و فعال اجتماعی، گفت‌وگو کرده‌ایم.

جغرافیایی برای عروج وسامان بخشی به انسانیت

خدای متعال محدود به هیچ چهاردیواری نیست به بگویم در مسجد حضور دارد و در خیابان و بازار نیست! انتساب مسجد به خدا، از باب نیاز پروردگار نیست، بلکه تعظیم مکانی برای عروج و سامان بخشی به انسانیت انسان است، برای همین خدا به پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داد جایی را ایجاد کن که مردم در آنجا تجمع کنند اما نه فقط برای سجده و نماز (هرچند مسجد در لغت به معنای سجده‌گاه است)، برای همین وقتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حکومت اسلامی را تأسیس کردند، مسجد را هم بنا نهادند و در کنار فضای عبادی، آن را به پایگاه فعال اجتماعی سیاسی تبدیل کردند و به ما هم یاد دادند که اگر کار اجتماعی و سیاسی را هم در مسجد و برای رضای خدا انجام دهیم، عبادت محسوب می شود.

رسالت مهم مسجد

در جهان بینی اسلام، «عدالت خواهی»، «جهاد»، «حمایت از یتیم و مسکین» و «داره عادلانه جامعه» عین عبادت است. عبادت در اسلام فقط قرائت اوارا نیست. وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله در مسجد برای نبرد با طاغوت نقشه می کشیدند، بندگی خدا را به بالاترین سطح می رساندند. اگرچه برخی از این کارکردها در مساجد مدنبال می شود اما با نقطه مطلوب فاصله داریم. برخی مساجد فوق العاده عمل می کنند و برخی ضعیف ترند اما... امروز که در آستانه ظهور و در نزدیکی قله هستیم، باید تلاشمان را مضاعف و چندبرابر کنیم، لذا آنچه امروز ما به عنوان کارکردهای سیاسی اجتماعی مسجد دنبال می کنیم، مربوط به عمر چهل و هشت ساله جمهوری اسلامی نیست، بلکه سابقه‌ای به قدمت اسلام دارد.

فرصت اجتماع را به ما می دهد

خدای متعال در قرآن کریم می فرماید: «يُذِ اللّٰهُ مَعَ الْجَمَاعَةِ» جایی که مردم برای کاری اجتماع کنند و دست به دست هم بدهند و قلب‌هایشان را به هم نزدیک کنند، خدای متعال آن‌ها را از بیج‌ها و کم‌وکاستی‌های مادی عبور می دهد و با قدرت خود آن‌ها را پیش می برد. حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام در روایتی که حکم شاهکار را دارد، کارکردهای چندبعدی مسجد را یک‌جا خلاصه می کنند؛ «هرکه به مسجد رفت و آمد کند، دست‌کم به یکی از این هفت نعمت می‌رسد: برادری ایمانی و سودمند در راه خدا؛ دانشی تازه و ناب؛ نشانه‌ای استوار؛ رحمتی مورد انتظار؛ سخنی که او را از تباهی باذارد؛ کلامی که او را به هدایت رهنمون شود و ترک گناهی از سر حیا یا ترس از خدا.» (وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۱۹۷)

هسته های کوچک تمدنی را شکل می دهد

جامعه سالم در گرو وجود خانواده‌های سالم است. برای تمدن سازی باید هسته‌های کوچکی با نگاه تمدنی ساخته شود و تا فکر و قلب این هسته‌ها سر یک مسئله پیوند نخورد، اتفاقی که باید رقم نمی خورد. باید برخاست و از جمع‌های کوچک از محله‌های کوچک و از همان بناهای کوچک به نام مساجد شروع کرد. این حرکت بزرگ تمدنی، درست از زیر پایی همان سجاده‌ها و حلقه‌های جوانان مؤمن در دل محلات، آغاز می شود. مسجد بهترین مکان برای این اجتماع است که قلب‌ها را نزدیک و مردم را دردمند یکدیگر می کند؛ یعنی ایجاد نوره‌ای کوچکی که در مجموع، جامعه را نورانی می کنند.

راهی جز بازگشت به مسجد نداریم

اگر نظام اسلامی می خواهد در اقتصاد به جای سیستم‌های بهره‌محور، صندوق‌های قرض الحسنه واقعی، تعاونی‌های مردمی و کارگاه‌های تولیدی کوچک و رفع فقر محله محور داشته باشد و در تربیت و فرهنگ، به جای بلگی در بحران‌های هویتی، نسل نوجوان را در میدان عمل رشد دهد و در سیاست و نظارت، امریه معروف و مطالبه‌گری شفاف از مسئولان را برقرار کند، راهی جز «بازگشت کارکردی به مسجد» ندارد. شعله‌های کوچک وقتی تکثیر شوند و در یک شبکه پیوسته قرار بگیرند، تبدیل به یک مشعل عظیم تمدنی می شوند که تاریکی‌های مدرنیته منفعت طلب را می شکافد؛ «تُرِيدُونَ أَن يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَآ أَن يُمِئَ نُورُهُ... کافران می خواهند که نور خدا را با دهانشان (به نفس تیره و فتنار جاهلانه خود) خاموش کنند و خدا نگذارد تا آنکه نور خود را در منتهای ظهور و جدا اعلای کمال برساند هر چند کافران ناراضی و مخالف باشند.» (نوبه ۳۲)



همه چیز به دست امام مسجد است

اگر امام جماعت، خوش فکر، مردمی و دارای تدبیر باشد، هیئت امنای خوبی هم در مسجد شکل می گیرد. فعال کردن ظرفیت‌های مسجد به دست امام جماعت رخ می دهد؛ همان امامی که رهبر شهید انقلاب توصیف می کردند و می فرمودند: امام انقلابی، امام مردمی، امام جهادی، امام تراز انقلاب اسلامی، امامی که خود را در آستانه ظهور می بیند و در حرکت عظیم تمدنی به خود اعتماد داشته باشد و نقش خود را ایفا کند. خوب است حداقل ۱۰ درصد ظرفیت ورودی‌های حوزه، بعد از سطح یک و سنچش توانمندی‌ها، دوره‌های تخصصی امامت را ببینند. این امام جماعت قوی است که امنای اثرگذار و مردم را جذب و همراه می کند.

امام جماعت شغل باشد نه حاشیه

رهبر شهید مان تأکید می کردند شغل امام مسجد باید امام جماعت باشد، نه شغلی حاشیه‌ای در کنار مشاغل اداری و اجرایی، تألیف و تحقیق و... بیشتر ائمه جماعات درگیر مشاغل دیگر هستند و فقط برای نماز خواندن به مسجد می آیند... مساجد موفق کشور دارای امام جماعت مدبر، انقلابی و جهادی هستند. چنین امامی، اهالی محله را به هم نزدیک می کند و عزمشان را برای گره‌گشایی از یکدیگر افزایش می دهد. در همین راستا باید ابتدا طلاب متناسب با این نقش را انتخاب کرد و آموزش داد و سپس از توانایی آن‌ها در مسجد استفاده کرد.

کیمیای حیات

برای آنکه مسجد بتواند در بحران‌ها نقش اساسی خود را ایفا و مثل ایام جنگ تحمیلی سوم، مردم را بسج و در میدان با خود همراه کند، باید از قبل برنامه ریزی و زمینه سازی کرده باشد. آنچه آقای شهید ایران درباره مسجد بر آن تأکید داشتند، جعلی نیست، بلکه همان خط روشن نبی مکرم صلی الله علیه و آله اسلام و کیمیای حیات می تواند جامعه کوچک یعنی محله را زنده نگاه دارد؛ البته به شرط آنکه هر آنچه مربوط به زندگی مردم می شود، اعم از فردی و اجتماعی تا خانوادگی حاکمیتی را شامل شود.

حجت‌الاسلام والمسلمین محبوب:

امروز که در آستانه ظهور و در نزدیکی قله هستیم، باید تلاشمان را مضاعف و چندبرابر کنیم، آنچه امروز به عنوان کارکردهای سیاسی اجتماعی مسجد دنبال می کنیم، سابقه‌ای به قدمت اسلام دارد.

نماز اول وقت؛ رمز مصونیت در طوفان‌های زندگی

به فارسی گفت: «قراری که با امام زمان بستی، فراموش نکن!» او آلمانی بود، اما به فارسی سخن گفت؛ انگار که از پیش، از آن عهد میان من و مولایم خبر داشت. آنجا بود که فهمیدم نماز اول وقت، فقط یک وقت شناسی ساده نیست؛ یک «عهدنامه» است که انسان را در سخت ترین شرایط زندگی، زیر چتر حمایت مصومین علیهم السلام قرار می دهد.» این حکایت، گویای یک حقیقت بزرگ است. همه ما در زندگی مان، گرفتاری‌ها، امتحانات و دوراهی‌هایی داریم که گاهی عقلمان به جای نمی رسد. نماز اول وقت، همان کلید گم شده‌ای است که ارتباط ما را با «صاحب خانه» برقرار نگه می دارد. جوانان امروز، در هیاهوی این دنیای مدرن، بیش از هر زمان دیگری به این قطب نما نیاز دارند. نماز، آن محور ثابتی است که اگر در مرکز زندگی قرار گیرد، نه تنها انحرافات را پس می زند، بلکه برکت و معجزه را به متن روزمرگی‌ها می آورد. کافی است صادقانه عهد کنیم تا او نیز در لحظات اضطراب‌ر، یاری مان کند.

برگرفته از خطبه‌های نماز جمعه مشهد به امامت آیت‌الله سید احمد علم‌الهدی تنظیم: حجت الاسلام والمسلمین حسین ابراهیمی

شرایطی، هنگام نماز توقف کند. یک بار که مسافران از این توقف‌ها معترض بودند، همان جوان مسافر، ماجرای آنفل کرد که مسیر نگاه همه را عوض کرد. او تعریف می کرد؛ «هنگام تحصیل در خارج، باید در یک امتحان جامع شرکت می کردم که سرنوشت تحصیلی ام به آن وابسته بود. محل امتحان فاصله زیادی داشت و باید با اتوبوس می رفتم. اما اتوبوس در میانه راه خراب شد و از حرکت ایستاد. زمان به سرعت می گذشت و من هیچ راهی برای رسیدن به جلسه امتحان نداشتم. در آن لحظات ناامیدی، به یاد سفارش پدرم افتادم که گفته بود: «هرگاه گرفتار شدی، به صاحبان، امام زمان علیه السلام، متوسل شو. با تمام وجود به حضرت توسل کردم و گفتم: آقا! اگر وسیله‌ای فراهم شود که به این امتحان برسم، با شما عهد می بندم که تا آخر عمر، نماز را اول وقت بخوانم. هنوز مناجاتم تمام نشده بود که خودرویی کنار اتوبوس ایستاد. دو تعمیرکار پیاده شدند، کاپوت را بالا زدند و در چند دقیقه، عیب ماشین را برطرف کردند. وقتی مسافران سوار می شدند تا حرکت کنند، من هم می خواستم سوار شوم که همان تعمیرکار، روی رکاب اتوبوس ایستاد و با نگاهی معنادار

عمیق است؛ چون نمازگزار، خود را در محضر خدا می بیند. کسی که با خدا مرتبط است و حضور او را حس می کند، چگونه می تواند با خدا دشمنی کند؟ گناه، درحقیقت اعلام جنگ با اراده الهی است و کسی که لحظه به لحظه با خدا در حال گفت و گوست، خود را در موقعیت دشمنی قرار نمی دهد. نماز؛ مانند یک سیستم هشدار دهنده یا بهتر بگویم یک سیستم «اعلام حضور» است که نمی گذارد انسان از حريم امن الهی خارج شود. برای جوانانی که در آغاز راه پریچ وخم زندگی هستند، هیچ سپری کارآمدتر از این محوریت نماز، به ویژه «نماز اول وقت» نیست. این اولویت بندی، نه تنها زندگی را از بزکات معنوی سراسر می کند، بلکه چراغ راهی در تاریکی‌های دوران جوانی است. شاید شنیدن یک ماجرا در این باره، عمق این رابطه را بهتر نشان دهد: حکایت آن دانشجویی که در غربت، معنای واقعی «عهد بستن با صاحب الزمان علیه السلام» را درک کرد. می گویند پیش از پیروزی انقلاب، وقتی مسیر رفت و آمد ایران و آلمان با اتوبوس طی می شد، در یکی از آیین سفرها، جوانی بود که به شدت به خواندن نماز اول وقت مقید بود. حتی در اتوبوس، راننده را متقاعد کرده بود که در هر

نماز، فقط یک مناسک عبادی نیست؛ «عمود دین» است. ستون عیمه‌ای که اگر نباشد، دین داری انسان برپا نمی ماند. در واقع، تعریف دقیق دین داری بدون ارتباط مستمر با مبدأ هستی، ناممکن است. این ارتباط در زندگی فردی و اجتماعی، تبلور می یابد و هر چه مستحکم تر باشد، دیواره‌های مصونیت انسان در برابر ناملایمات و انحرافات، نفوذناپذیرتر می شود. مسئله این است که انسان در مسیر زندگی، مدام در معرض انتخاب‌های سرنوشت ساز و چالش‌های ریزودرشت قرار دارد. برخی گمان می کنند نماز خواندن یا نخواندن، صرفا یک انتخاب شخصی است. اما نگاه عمیق تر به ماهیت این عبادت، حقیقت دیگری را آشکار می کند: نماز، «جریان ارتباطی» انسان با خداست. کسی که نماز می خواند، در هر لحظه، بند اتصال خود را با خالق هستی تازه می کند و جامعه‌ای که در لایه‌های مختلف زندگی‌اش، نماز جلوهرگ باشد، جامعه‌ای متصل به منبع لایزال قدرت و حکمت است. قرآن کریم با صراحت می فرماید: «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ»، اما چرا نماز مانع گناه می شود؟ دلشلی ساده و در عین حال

خطبه